

تأثیر تعویق صدور حکم در اصلاح مجرمان و بازدارندگی از جرم

۱. عطاءالله هاشمیان: دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران

۲. عاطفه لرججوری: استادیار، گروه حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران. پست الکترونیک:

A.lorkojuri110@yahoo.com (نویسنده مسئول)

۳. امیررضا محمودی: استادیار، گروه حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران

۴. طیبه قدرتی سیاهمزیگی: استادیار، گروه حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران

چکیده

در زمینه مسئولیت بانک در قبال صندوق‌های سپرده‌گذاری بانکی، شکاف پژوهشی‌ای وجود دارد که این مطالعه با هدف تکمیل تحقیقات قبلی به آن می‌پردازد. این مطالعه به‌طور خاص به بررسی ماهیت قراردادی که در صندوق‌های سپرده‌گذاری بانکی دخیل است، با رویکرد تحلیلی-توصیفی می‌پردازد. سؤالات کلیدی مطرح شده شامل موارد زیر است: آیا دسته‌بندی این قرارداد تحت عنوان خدمات بانکی (که شامل تخصص و حرفه‌ای‌گری است) دامنه مسئولیت بانک را گسترش می‌دهد؟ آیا ماده ۳۸۶ قانون تجارت به قراردادهای صندوق بانکی قابل اعمال است؟ آیا دخالت بیمه بر اساس مسئولیت طرف‌های مسئول تأثیرگذار است؟ این مطالعه به‌صورت تحلیلی به این سؤالات پرداخته و یافته‌های اولیه نشان می‌دهد که قرارداد صندوق سپرده بانکی را می‌توان به‌عنوان یک قرارداد اجاره دسته‌بندی کرد که به‌طور ضمنی شامل تعهد به ایمنی است. این تعهد به ایمنی، مسئولیت بانک را از یک تعهد به وسیله به تعهد به نتیجه تبدیل می‌کند، که این امر به دلیل ماهیت تخصصی و حرفه‌ای خدمات بانکی است. علاوه بر این، با توجه به اینکه این تعهد به نظم اقتصادی و عمومی جامعه مرتبط است، قرارداد اجاره را فراتر از شکل سنتی خود می‌برد. تعهد به ایمنی از ماده ۳۸۶ قانون تجارت مشتق شده است و از آنجا که بیمه‌گذار معمولاً خود مشتری است، در موارد سرقت ساده، ممکن است مسئولیت تضامنی بین مقامات پرداخت ایجاد شود.

واژگان کلیدی: صندوق بانکی، سپرده، اجاره، تعهد به ایمنی، بیمه، مسئولیت تضامنی.

هاشمیان، عطاءالله، لرججوری، عاطفه، محمودی، امیررضا، و قدرتی سیاهمزیگی، طیبه. (۱۴۰۲). تأثیر تعویق صدور حکم در اصلاح مجرمان و بازدارندگی از جرم. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۵(۱)، ۴۰-۵۴.

© ۱۴۰۲ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

دریافت شده در تاریخ ۲۶ بهمن ۱۴۰۱

اصلاح شده در تاریخ ۱۱ اسفند ۱۴۰۱

پذیرفته شده در تاریخ ۲۵ اسفند ۱۴۰۱

منتشر شده در تاریخ ۲۸ خرداد ۱۴۰۲

مقدمه

در اثر تحولاتی که در چند قرن اخیر در جوامع پیشرفته پدیدار گردید ملاحظه می‌شود که مبانی حقوق قضایی از نظر اهمیتی که جامعه برای اجرای مجازات ملحوظ می‌داشت نیز دستخوش تغییر و تبدیل قرار گرفته و اساس و پایه اعمال مجازات در قرن حاضر با آنچه در قرون گذشته به آن نگریسته می‌شد، تفاوت کلی یافته است.

در حال حاضر، نگرش‌ها از مطلق‌انگاری در اجرای مجازات‌ها به واقع‌نگری تغییر یافته است. مجازات بیش از عقوبت و تنبیه، به اصلاح بزهکاران می‌انديشد. به همین دلیل، زمانی که اجرای مجازات ضرورت ویژه‌ای نداشته باشد و یا این که اعطای فرصت دیگر به بزهکار جهت جبران مافات، مناسب باشد و عمل ارتكابی فرد محکوم نیز، از جرائم مهم نباشد، در این صورت، سیاست کیفری کشورهای مختلف متمایل به نرمش در اجرای مجازات شده است.

تعویق صدور حکم، نهادی است که در راستای سیاست جنایی مبتنی بر نرمش (اصلاحی - درمانی) و حمایت بیشتر از مجرمان غیر خطرناک تأسیس شده است. نهاد مزبور، ابزاری ارفاقی است که دادگاه با استفاده مناسب از آن، می‌تواند موجبات اصلاح بزهکار را فراهم آورد.

دادگاه در تعویق صدور حکم، با اجتماع شرایط قانونی این اجازه را دارد که اگر صدور حکم محکومیت برای مرتکب مصلحت و موقعیت نداشته باشد؛ نخست، صدور حکم محکومیت را به تأخیر انداخته و سپس مرتکب را از مجازات مقرر قانونی عفو نماید. تعویق صدور حکم بر مبنای اصل فردی کردن مجازات بنا گردیده و به وسیله آن دادگاه پس از احراز مجرمیت مرتکب، این فرصت را به وی می‌دهد تا در مدت تعویق، خود را با قواعد اجتماعی سازگار کرده و از ارتکاب مجدد بزه خودداری نماید. این نگرش قانون‌گذاری منطبق با دکترین قضایی اسلام و اندیشمندانی همچون روسو می‌باشد که مرتکبین گناهان و جرائم را دارای سرشتی پلید نمی‌دانند، بلکه افرادی می‌دانند که ممکن است گاهی در زندگی خویش دچار خطا شوند. بنابراین فرصت اصلاح، تربیت و بازگشت به جامعه همیشه باید برای آن‌ها فراهم باشد.

با توجه به نوپایی این نهاد در حقوق ایران، شناخت و بررسی ارکان و شرایط آن کاملاً ضروری می‌نماید. به این مناسبت در نوشتار حاضر تلاش شده تا ضمن بررسی مبانی و موقعیت فقهی این نهاد، قلمرو و اجرا، آثار، مرجع صالح جهت صدور، شرایط شکلی و ماهوی اعطاء، آثار و انواع و موجبات فسخ این نهاد حقوقی مورد واکاوی قرار گیرد.

در این نوشتار برآنیم که نهاد تعویق صدور حکم و کاربرد و اهمیت آن در قانون مجازات اسلامی و تأثیر آن بر اصلاح مجرمان و بازدارندگی از جرم را مورد بررسی قرار دهیم. و در پی پاسخ به این سؤال هستیم که اعطای نهاد تعویق صدور حکم به مجرم در راستای پیشگیری است یا فرصتی برای بزهکار در جهت سازگار کردن خود با محیط اجتماعی می‌باشد؟ و به‌ویژه مسئله‌ی پژوهش این است که تا چه اندازه به کار بردن تعویق صدور حکم بر اصلاح مجرمین و بازدارندگی از جرم تأثیر داشته است و چه راه‌هایی برای توسعه‌ی این اثربخشی وجود دارد؟

پیشینه تحقیق

عباسی و دادمهر (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «تعلیق و تعویق مجازات در ایران با نگاهی به حقوق جزای فرانسه» می‌نویسند: نهاد تعویق صدور حکم از جلوه‌های پایبندی به عدالت تقنینی در حقوق جزای کشورمان و همچنین یکی از تأسیسات حقوقی منحصر به فرد است، که در صورت استفاده صحیح موجب دورنگه داشتن مجرمان اتفاقی و بازدارندگی از ارتکاب جرم جدید و نیز کمک به مجرم برای بازگشت به زندگی عادی خود می‌باشد.

گلدوست جویباری و مرادیان (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «تعویق صدور حکم در ایران و فرانسه» این نهاد را به صورت تطبیقی موردنگارش قرار داده است این نهاد را نشانه‌ای می‌داند که سیاست‌گذاران جنایی از کیفرگرایی به کیفرزدایی تغییر روش داده‌اند و با استفاده از راهبردهای مناسب و استفاده از متخصصان نسبت به اصلاح بزهکاران اقدامات ضروری را اتخاذ خواهند کرد هرچند که به نظر می‌رسد این نهاد در ایران احتمال دارد به سرنوشت تعلیق اجرای مجازات دچار شود.

بخشی زاده (۱۳۹۱) در تألیف خود با عنوان «بررسی تغییرات و نوآوری‌های لایحه‌ی قانون مجازات اسلامی» بیان داشته است؛ تعویق صدور حکم از نوآوری‌های قانون جدید محسوب می‌شود؛ چراکه سابقاً تعویق در معنای کلی به کار می‌رفت و شامل تعلیق از یک سو و آزادی مشروط از سوی دیگر می‌شد، حال اینکه در اینجا خود عنوان مستقلاً محسوب می‌شود.

مفهوم تعویق

تعویق صدور حکم برای نخستین بار در تاریخ قانون‌گذاری ایران در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده و از نوآوری‌های این قانون به شمار می‌آید این نهاد از حقوق کشورهای غربی و به طور مشخص از نظام حقوقی فرانسه به شرح مواد (۶۰-۱۳۲) به بعد قانون جزای فرانسه اقتباس شده است.^۱

درباب معنی واژه تعویق^۲ باید گفت که این واژه‌ای عربی است که در فرهنگ‌های متعدد عربی و فارسی ترجمه شده است. در یکجا به معنای بازداشتن، به زمان دیگری موکول کردن و «کار را عقب انداختن» آمده است.^۳ بنابراین نوعی تأخیر و معطل نمودن انجام امری تا آتیه نهفته است. در جایی دیگر به معنای عقب انداختن، تأخیر و سست‌کاری کردن نیز آمده است.^۴ که نوعی عقب انداختن انجام کاری تا زمان آینده مستفاد می‌شود. از نظر اصطلاحی نیز تعاریف زیادی در مورد این نهاد شده است که می‌توان به این موارد اشاره کرد:

اصطلاح تعویق صدور حکم^۵ به معنای خاتمه موقت، اطاله به وقت دیگر و موکول شدن به روز دیگر به کار رفته است.^۶ هرچند قانون مجازات اسلامی از تعویق صدور حکم تعریفی ارائه نکرده است، ولی می‌توان تعویق صدور حکم را به این شکل تعریف نمود: «تصمیم قاضی در خصوص به تأخیر انداختن صدور رأی محکومیت به کیفر پس از بررسی موضوع اتهام و ادله انتسابی آن به متهم و احراز مجرمیت وی، ضمن الزام او به اجرای دستورهای مراقبتی، نظارتی، درمانی، آموزشی و حرفه‌آموزی و یا بدون لحاظ دستورهای مزبور در مدت معین به منظور اصلاح و تربیت و اعمال قضازدایی است».^۷ در واقع قاضی با توجه به شرایط و اوضاع و احوالی که فرد مرتکب جرم شده و خصوصیات فردی، اجتماعی و خانوادگی وی، صدور حکم را به تعویق می‌اندازد تا با این تصمیم موجبات اصلاح و بازاجتماعی شدن مجدد مجرم را مهیا نماید.

۱. محمد مصدق، شرح قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ با رویکردی کاربردی (تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۲)، ۱۳۵.

2. Deferment

۳. محمد بن مکرم بن منظور، لسان العرب، جلد چهارم (بیروت: انتشارات دارصادر، چاپ چهارم، ۱۳۷۵ ه.ق)، ۴۰۹.

۴. محمد معین، فرهنگ فارسی (تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۶۲)، ۴۰۵.

5. Defferment of Sentence

۶. عباس آریانپور، فرهنگ کامل انگلیسی به فارسی (تهران: نشر سیروس، چاپ دوم، ۱۳۸۵)، ۳۴۲.

۷. حسنعلی مؤذن‌زادگان، «تعویق صدور رأی در دادرسی اطفال و نوجوانان معارض با قانون» در (کتاب افقهای عدالت کیفری کودکان و نوجوانان در پرتو اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی)، (تهران: انتشارات دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، ۱۳۹۲)، ۶۶.

پس از آشنایی با مفهوم لغوی و اصطلاحی تعویق صدور حکم، برای جلوگیری از درهم آمیختن اصطلاحات مشابه با این مفهوم، واژگان مرتبط به صورت خلاصه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پیشینه نهاد تعویق

در مورد تاریخچه و اینکه نهاد تعویق صدور حکم اولین بار در کجا مورد استفاده قرار گرفته است، باید گفت که این سیستم را از این جهت که برای اولین بار در آمریکا و انگلیس شکل گرفته است، سیستم آمریکایی - انگلیسی نیز می‌نامند،^۱ به هر رو نهاد تعلیق صدور حکم در سیستم آمریکایی - انگلیسی به صورت تعلیق مراقبتی^۲ بوده است.

این نظام در ایالات متحده اولین بار توسط یک پوتین ساز اهل بوستون به نام جان اگوستوس^۳ در سال ۱۸۴۱ برای اصلاح ۱۱۰۲ نفر پایه‌گذاری گردید. اگوستوس در زمان خود از قاضی خواست که تعیین مجازات مجرمانی را به تأخیر اندازد و آن‌ها را برای مدتی تحت نظارت او واگذارد. وی کار خود را با مجرمی شروع کرد که جرمش اعتیاد به الکل بود و بعد دامنه فعالیت‌های خود را به بزهکاری اطفال و شرب خمر بزرگسالان توسعه داد.^۴

تعویق صدور حکم اولین بار در ماده ۲۵ لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان که در سال ۱۳۸۳ تقدیم مجلس شورای اسلامی گردید، پیش‌بینی شد. هر چند این لایحه تبدیل به قانون نشد، اما مقررات آن در قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفت. سپس تعویق صدور حکم در لایحه مجازات اسلامی سال ۱۳۸۶ در قوانین ایران برای جرائم بزرگسالان مورد توجه قرار گرفت و اصول قانونی مربوط به آن در مواد ۱-۱۵۲ تا ۶-۱۵۲ بیان شد. بالاخره این نهاد که نظر سیاست‌گذاران جنایی را به خود جلب کرده بود به طور صریح و در (مواد ۴۰ تا ۴۵) قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ در بخشی از جرائم تعزیری کم‌اهمیت وارد نظام حقوقی ایران گردید که در مباحث بعدی بررسی خواهد شد.

انواع تعویق صدور حکم در حقوق جزای ایران

بر خلاف تعلیق اجرای مجازات که سال‌ها در کشور ما به صورت تعلیق ساده در قانون پیش‌بینی شده بود و با اینکه فوایدی که تعلیق مراقبتی در فرآیند اصلاح و بازپروری مجرمان داشت برای اولین بار و با برگرفتن از حقوق فرانسه تعویق صدور حکم و تعلیق مجازات به دو شکل ساده و مراقبتی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جای داده شد. بر این اساس، قاضی می‌تواند با توجه به خصوصیات روحی، روانی، اجتماعی و وضعیت شغلی مرتکب و پیش‌بینی اصلاح وی یکی از این دو نوع تعویق را برگزیند.

تعویق ساده

به استناد بند «الف» ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی، چنانچه دادرس پس از ارزیابی شرایط پیرامونی جرم و بزهکار، تعویق صدور حکم را اتخاذ کند، لازم است وضعیت بزهکار در دوره تعویق و نوع تعاملش با دادگاه را مشخص کند.

۱. امیرحسین شیخ‌نیا، «تعلیق مراقبتی مجازات»، مهنامه قضایی، ۱۳ و ۱۴ (۱۳۴۸)، ۷۷.

2 - Probation

3 - John Augustus

۴. غلامحسین رضایی، راهبردهای تعلیق و تعویق در فرایند کیفری (تهران: نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۹)، ۱۰۹.

هدف از اجرای این سازوکار در ابتدا «حمایت از جامعه» و «کمک به بازپروری بزهکاران» است.^۱ این کارکرد دوگانه به معنای مراقبت از بزهکاران و نظارت دقیق بر رفتار آنها و فراهم آوردن خدمات حمایتی برای بزهکاران نیازمند بوده است،^۲ تا وی بداند که جامعه به دنبال انتقام‌گیری از او نمی‌باشد و هدف مجازات اصلاح و باز سازگاری او با جامعه است. تعویق ساده به این معناست که دادگاه پس از اینکه مجرمیت متهم را احراز نمود بدون آنکه برای او مجازات تعیین کند، مجازات او را به تأخیر انداخته و مجرم را بلاقید آزاد می‌کند. اصولاً این تصمیم در جرائم کم‌اهمیت و مجرمینی که دارای حالت خطرناک کمتری هستند و قوای عمومی جامعه آنها را نیازمند تعقیب نمی‌بیند صادر می‌شود.

تعویق مراقبتی

در صورتی که دادگاه صدور قرار تعویق ساده را به صلاح مجرم تشخیص ندهد، با اجازه حاصله از بند «ب» ماده ۴۱ ق.م.ا می‌تواند اقدام به صدور قرار تعویق مراقبتی برای مرتکب نماید.

در تعویق مراقبتی، مرتکب علاوه بر الزام به خودداری از ارتکاب جرم، متعهد می‌گردد دستورهای و تدابیری را که دادگاه مقرر کرده در مدت تعویق رعایت کند یا به موقع اجرا گذارد.^۳ منظور از این ماده فراهم ساختن موجبات اصلاح بزهکار با تهدید و دادن مهلت و پیشگیری از سقوط مجدد بزهکار در ارتکاب جرم است. ولی در عمل ممکن است مقامات قضایی از کاربرد قانون اصلاحی یادشده خودداری و قانون مزبور جزو قوانین خوب اما متروک قرار گیرد. زیرا نفوذ در شخصیت بزهکار و شناخت عوامل بزهکاری نیاز به صرف وقت و همکاری با مددکاران اجتماعی به تعداد کافی دارد.^۴

دادگاه براساس مواد ۴۲ و ۴۳ ق.م.ا، دو نوع دستور و تدبیر برای مجرمی که قصد تعویق مجازات او را دارد، صادر می‌کند. ۱- تدابیری که شخصی که صدور حکم محکومیت وی به تعویق افتاده است، ملزم به تبعیت از آنهاست. به عبارت دیگر دادگاه مکلف به تعیین آنها حین صدور قرار تعلیق مراقبتی می‌باشد که در ماده ۴۲ بیان شده است. ۲- دستوراتی هستند که دادگاه‌ها اختیار دارند فرد را به انجام آنها ملزم نماید و هیچ‌گونه تکلیفی در مقرر کردن آنها در طول دوره تعویق برای مرتکب ندارد؛ به گفته دیگر تدابیری که دادگاه مختار به تعیین آنها حین صدور قرار تعلیق مراقبتی می‌باشد که در ماده ۴۳ مقرر شده است. بنابراین در دوره آزمایشی تعویق صدور حکم، مجرم دارای آزادی مطلق نیست، بلکه دادگاه می‌تواند وی را به اجرای تدابیر یا دستورهای که بیشتر جنبه تأمینی و بازدارنده دارند، مکلف کند. هدف اصلی از دستورات دادگاه نیز کنترل و نظارت بر رفتار مجرم در طول دوره آزمایشی می‌باشد.

تدابیر الزامی همراه با تعویق مراقبتی

۱. مهرداد رایجیان‌اصلی، «تبیین استراتژی عقب‌نشینی یا تجدید دامنه مداخله حقوق جزا و جایگاه آن در ایران» مجله حقوقی و قضایی دادگستری، ۴۱، (۱۳۸۱)، ۸۹.
۲. مهرداد رایجیان‌اصلی و ولی‌الله صادقی، «جایگاه تعویق صدور حکم در حقوق ایران با رویکردی تطبیقی به قوانین فرانسه و انگلستان و آلمان»، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۳، ۱۹ (۱۳۹۴)، ۳۸.

۳. محمدعلی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، جلد سوم. (تهران: نشر میزان، چاپ چهارم، ۱۳۹۳)، ۲۱۰.

۴. ایرج گلدوزیان، محشای قانون مجازات اسلامی، (تهران: نشر مجد، چاپ سوم، ۱۳۹۳)، ۱۰۰.

ماده ۴۱ ق.م.ا به همراه تعویق مراقبتی صدور حکم محکومیت کیفری، وجود چهار تدبیر مراقبتی را لازم و جزء ماهیت این نوع تعویق دانسته است. در این ماده مقرر گردیده «تعویق مراقبتی همراه با تدابیر زیر می‌باشد...». آنچه از شیوه و ظاهر جمله مذکور به ذهن متبادر می‌شود، آن است که این جمله جنبه امری داشته و دادگاه ملزم است که در ضمن صدور قرار تعویق، تدابیر چهارگانه مقرر در ماده را قید نماید و در صورت پذیرش آن‌ها از سوی مجرم آنگاه آزادی وی با اخذ تأمین مناسب امکان‌پذیر خواهد بود. با دقت در این تدابیر الزامی همراه با تعویق مراقبتی، ملاحظه می‌شود که تهیه‌کنندگان و تصویب‌کنندگان قانون مجازات اسلامی، سعی کرده‌اند تا به تخصصی کردن امور، که از ویژگی‌های جوامع و ملل پیشرفته است و کشور ما هم جهت پیشرفت به آن احتیاج دارد، نظر داشته باشد و از قضایی کردن بیش از حد دستورات الزامی تعویق مراقبتی، خودداری نمایند و مرتکب را در مدت بین شش ماه تا دو سال از فضای کیفری و قضایی به دورنگه دارند تا تأثیر این روش فردی کردن مجازات هرچه بیشتر بر مرتکب نمایان گردد.^۱

این تدابیر عبارت‌اند از:

- (الف) حضور به موقع در زمان و مکانی که مقام قضایی یا مددکار اجتماعی ناظر تعیین می‌نماید.
 - (ب) ارائه اطلاعات و اسناد و مدارکی که نظارت بر اجرای تعهدات محکوم را برای مددکار اجتماعی تسهیل می‌کند.
 - (پ) اعلام هرگونه تغییر شغل، اقامتگاه یا جابه‌جایی در مدت کمتر از پانزده روز و ارائه گزارشی از آن به مددکار اجتماعی
 - (ت) کسب اجازه از مقام قضایی به منظور مسافرت به خارج از کشور
- رعایت این تدابیر توسط مرتکب می‌تواند دلیلی باشد برای اینکه مجرم در آینده مرتکب جرم نخواهد شد و به دو تعهد دیگر خودش پایبند است.
- تبصره ماده ۴۲ قانون مجازات اسلامی به قاضی صادرکننده قرار تعویق اختیار داده که اگر بزهکار دارای مشکلات مالی بوده به نحوی که آن علت اصلی ارتکاب جرم شمرده شده یا مانعی برای اصلاح و بازپروری وی باشد، ضمن قرار، تدابیر معاضدتی دیگر مثل معرفی مرتکب به نهادهای حمایتی چون بهزیستی یا کمیته امداد امام خمینی (ره) را مدنظر قرار دهد. به این ترتیب اگر موارد مذکور در ماده ۴۲ قانون مجازات اسلامی را اعمال نظارتی بدانیم، بی‌شک تبصره ماده فوق‌الذکر در جهت حمایت و کمک هرچه بیشتر به مرتکب است تا روند اصلاح و بازپذیری وی شتاب گیرد.

دستورات اختیاری در تعویق مراقبتی

دستورات دسته دوم مواردی است که در ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی به صورت حصری ذکر شده و قاضی در مورد دستور قرار دادن یک یا چند مورد از آن‌ها یا عدم الزام به این موارد اختیار دارد. این دستورات را به دودسته می‌توان تقسیم کرد. دسته اول دستوراتی که جنبه توانگیری از مجرم را دارند. در این دسته از دستورات تلاش می‌شود امکان و احتمال ارتکاب جرم از بزهکار گرفته شود. این دستورات شامل: اقامت یا عدم اقامت در مکان معین، خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری، خودداری از فعالیت حرفه‌ای مرتبط با جرم ارتکابی یا استفاده از وسایل مؤثر در آن و خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکا یا معاونان جرم یا دیگر اشخاص از قبیل بزه‌دیده به تشخیص دادگاه. دسته دوم شامل دستوراتی است که جنبه اصلاحی - درمانی دارند که عبارت‌اند از: حرفه‌آموزی یا اشتغال به حرفه‌ای خاص، درمان بیماری یا ترک اعتیاد، پرداخت نفقه افراد واجب‌النفقه و

^۱. جلال‌الدین قیاسی، مسعود حیدری و محمود اشراقی، بررسی تعویق صدور حکم در لایحه مجازات اسلامی، (تهران: نشرنامه مفید، ۱۳۸۹)، ۱۴.

گذراندن دوره یا دوره‌های خاص آموزش و یادگیری مهارت‌های اساسی زندگی یا شرکت در دوره‌های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی.

به این ترتیب همان‌طور که پیشتر اشاره شد، این دستورها باید متناسب با جرم ارتكابی و اوضاع و احوال مرتکب باشد و دادگاه نمی‌تواند از مرتکب، دستوری را تقاضا کند که رعایت تناسب و اصلاح بزهکار در آن لحاظ نشده باشد.

نکته‌ای که در اینجا ضروری به نظر می‌رسد این است که صدور قرار تعویق صدور حکم به صورت غیابی ممنوع است و این موضوع در تبصره ۱ ماده ۴۱ قانون جدید بیان شده است، زیرا با توجه به فلسفه صدور قرار تعویق مجازات نیازمند آشنایی با روحیات و اوضاع و احوال مجرم می‌باشد و تحقق این امر با محاکمه غیابی امکان‌پذیر نمی‌باشد. بر همین اساس باید گفت چنانچه متهم از دادن تعهد خودداری کند امکان صدور قرار تعویق وجود نخواهد داشت.

در پایان این بند باید گفت مطابق ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی، مدت تعویق، شش ماه تا دو سال است. هر چند این مدت بیشتر باشد، به ضرر فرد بزهکار است و به نفع جامعه. به ضرر فرد است زیرا وی باید مدت بیشتری نسبت به رفتار خویش مراقبت داشته باشد و به دستورهای دادگاه عمل کند. به نفع جامعه است زیرا در سایه اهتمامی که فرد نسبت به رفتار خود دارد، دفاع اجتماعی به نحو مطلوب‌تری تأمین خواهد شد.^۱

یافته‌های پژوهش

مبانی تعویق صدور حکم

فلسفه وجودی هر علم در علوم انسانی، اساسی‌ترین نیاز در راستای شناسایی و معرفت به آن علم و مشخص‌کننده آن است که در چه شرایط اجتماعی و کدام نظر فلسفی باعث ایجاد یک نهاد شده است که دانش حقوق نیز، مستثنا از این قاعده کلی نیست. این مبانی از آن جهت اهمیت دارد که اگر با تغییر شرایط آن مبنا از بین برود بی‌گمان علتی برای ادامه حیات آن نهاد وجود نخواهد داشت، لذا علم به مبانی یک نهاد کیفری بسیار حائز اهمیت می‌باشد. در ادامه به بررسی چند مورد از مبانی نهاد تعویق صدور حکم خواهیم پرداخت.

جرم‌زدایی^۲

جرم‌زدایی، فرآیندی است که به موجب آن «صلاحیت» نظام کیفری در جهت اعمال ضمانت اجراها به منزله واکنش نسبت به یک شکل خاص از رفتار، یعنی رفتار مجرمانه خاص سلب می‌شود. این جنبش، می‌تواند در چارچوب یک انتخاب رسمی، یعنی جرم‌زدایی قانونی یا یک رویه عملی، یعنی جرم‌زدایی عملی قرار گیرد؛ با این توضیح که جرم‌زدایی عملی ممکن است زمینه جرم‌زدایی قانونی را در آینده فراهم کند.^۳ با وجود این، امروزه یکی از عواملی که ممکن است به جرم‌زدایی شتاب دهد، قبول این موضوع است که بعضی رفتارها نامطلوب نیستند و جرم بودن یا نبودن آن‌ها نزد افکار عمومی یکسان تلقی می‌شود. لذا، باید مفاهیم جرم و بزهکاری را برای انواع رفتارهایی حفظ کنیم که در بردارنده نقض ارزش‌های اساسی جامعه است.^۴

۱. عبدالعلی توجهی، تقریرات درس حقوق کیفری عمومی. کارشناسی ارشد (نیمسال دوم تحصیلی)، (دانشگاه تهران، پردیس قم، ۱۳۹۱)، ۳۰.

2- Decriminalization

۳. دلماس، میری و مارتی، «نظام‌های بزرگ سیاست جنایی»، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، جلد دوم، (تهران: انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۸۷)، ۱۰.

۴. نسرین مهرا، «درآمدی بر جرم‌زدایی، کیفرزدایی، قضازدایی»، مجله تحقیقات حقوقی، تهران: دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۲۱ و ۲۲، (۱۳۷۷)، ۳۱۰.

قضازدایی^۱

«قضازدایی را می‌توان خارج کردن فرد مظنون از فرآیند رسیدگی قضایی کیفری تعریف کرد که ممکن است در هر مرحله از جریان رسیدگی صورت گیرد».^۲

با توجه به آن‌که در بسیاری از جرائم نمی‌توان دست به «جرم‌زدایی» زد، دولت‌ها ترجیح می‌دهند تا با استفاده از «قضازدایی»، از درگیر شدن مرتکبین در فرآیند عدالت کیفری ممانعت به عمل آورند یا در صورت ورود به این فرآیند از ادامه مسیر، جلوگیری یا آن را به سمتی مناسب‌تر منحرف کنند. شیوه‌های نوین قضازدایی به دنبال آن هستند که نه تنها از ورود به سیستم عدالت کیفری جلوگیری به عمل آورند بلکه با ارائه راهکارهای اجتماعی به رفع اختلال ایجاد شده از جرم یا ترمیم رابطه اجتماعی بپردازند.^۳ نهاد تعویق صدور حکم خود منجر به قضازدایی می‌شود چرا که دادگاه پس از احراز مجرمیت فرد خاطی بلافاصله کیفر را در ارتباط با او اعمال نمی‌کند بلکه برای مدتی صدور حکم مجازات وی را معلق می‌نماید.^۴ زمانی که این امر در چارچوب سیاست جنایی تقنینی صورت می‌گیرد، با خارج شدن رفتار از فرآیند قضایی، ضمانت اجرای کیفری نیز برداشته می‌شود (کیفر زدایی). از طرف دیگر با حذف ضمانت اجرای کیفری، عنوان مجرمانه نیز از آن سلب خواهد شد (جرم‌زدایی). لذا ملاحظه می‌شود که بین مفاهیم مذکور، ارتباط نزدیکی وجود دارد. به عبارت دیگر، قضازدایی، جرم‌زدایی و کیفر زدایی، به دنبال دستیابی به یک هدف مشترک هستند و آن عبارت است از: محدود کردن قلمرو مداخله نظام کیفری.

بدین ترتیب به نظر می‌رسد که اصلاح قوانین و مقررات راجع به صلاحیت و فرآیند رسیدگی، در جهت حذف ضمانت اجرای اختصاصاً کیفری نظیر حبس از رفتارهایی که صلاحیت رسیدگی به آن‌ها به مراجع اداری - اجرایی داده شده است، ضروری باشد.^۵

کیفرزدایی^۶

افزون بر جرم‌زدایی و قضازدایی، راهکار دیگر برای کاهش جمعیت کیفری، کیفرزدایی است. در کیفرزدایی منظور این نیست که خاصیت جرم بودن فعل و ترک فعل سلب شود، بلکه هدف موزون ساختن جرم و کیفر است، بدین گونه که در اکثر موارد از شدت مجازات کم می‌شود و یا خاصیت کیفری مجازات از آن گرفته می‌شود.^۷

اگر فرآیند کیفرزدایی از نظر مبنایی که آن را توجیه می‌کند بررسی شود، می‌توان آن را به کیفرزدایی قانونی و قضایی تقسیم کرد؛ در کیفرزدایی قانونی، مستقیماً خود قانون‌گذار در جهت تعدیل کیفر، وارد عمل می‌شود و با به‌کارگیری تدابیری نظیر آزادی

۱ - Diversion

۲. علی حسین نجفی ابرندآبادی و حمید هاشم‌بیگی، دانشنامه جرم‌شناسی، (تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۹۰)، ۱۳۰.

۳. رایجیان اصلی، پیشین، ۲۸.

۴. عبدالعلی توجهی و حسین محمد کوره‌پز، «درآمدی بر نهاد تعویق صدور حکم در حقوق ایران، آلمان و فرانسه»، پژوهش حقوق کیفری، ۵ (۱۳۹۲)، ۹۹.

۵. محمدعلی بابایی و میثم غلامی، «مهم‌ترین جلوه‌های کیفرزدایی در قانون جدید مجازات اسلامی». پژوهشنامه اندیشه‌های حقوقی، سال اول، ۳ (۱۳۹۱)، ۶۳.

۶ - Decriminalization

۷. کیومرث کلانتری، «تحلیل بحران در حقوق موضوعه کیفری ایران و راهکارهای خروج از آن». به استاد راهنمایی دکتر محمدجعفر حبیب زاده، تهران: دانشگاه تربیت

مدرس، (۱۳۸۱)، ۳۱۲.

مشروط، نهاد تخفیف، تبدیل، معافیت از مجازات و... سعی می‌کند شدت ضمانت اجراها را کم کند. اما اگر اختیار تعدیل کیفر از سوی قانون به قوه قضاییه سپرده شود، کیفرزدایی قضایی است.^۱

در کشور ما نیز، در کمتر از یک دهه اخیر، این الگوی راهبردی کیفرزدایی به صورت آگاهانه در جهت کاهش بار نظام کیفری، در رویه قضایی، بخشنامه‌ها، قوانین برنامه سوم، چهارم، پنجم و ششم توسعه، سیاست‌های کلان قضایی از سوی مقام معظم رهبری و لوایح پیشنهادی قوه قضاییه به مجلس شورای اسلامی، به وضوح ابتدا در سیاست جنایی قضایی و در مرحله بعد در سیاست جنایی تقنینی، مورد توجه و پذیرش واقع شده است. پیش‌بینی مواردی مانند تعویق صدور حکم، مجازات‌های جایگزین حبس و نظام نیمه آزادی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مؤید این نظر است.^۲

عدم برچسب‌زنی^۳

مفاهیم «برچسب‌زنی» و «لکه‌دار ساختن» اجتماعی در «جرم‌شناسی تعامل‌گرا»^۴ مطرح می‌شوند. این نظریه به تعامل موجود میان فرد و جامعه می‌پردازد و در شکل‌گیری رفتار افراد، ارزش زیادی برای جامعه قائل است.^۵

بسیاری از جرم‌شناسان رد پای نظریه «برچسب‌زنی» را به کتاب «جرم و اجتماع» اثر فرانک تانن بام^۶ بازمی‌گردانند. او معتقد بود وقتی فردی به عنوان بزه‌کار دستگیر می‌شود، این برچسب بزه‌کاری علاوه بر اینکه می‌تواند تصویر شخص از خودش را تغییر دهد، موجب می‌شود تا مردم نسبت به آن برچسب و نه به خود آن فرد واکنش نشان دهند^۷ ولی این تفکر تانن بام عنوان برچسب‌زنی به خود نگرفت تا اینکه نخستین بار در سال ۱۹۵۱ میلادی از سوی ادوین لمرت^۸ مورد توجه قرار گرفت و بر این فرض مبتنی است که بزه‌کاری روندی اجتماعی است و هر آنچه جرم به شمار می‌آید نتیجه نگرش و عملکرد نظام عدالت کیفری است.^۹

در سال ۱۹۶۳ هوارد ساول بیکر^{۱۰}، استاد دانشگاه شیکاگو نظریه تانن بام را به روز کرد و تئوری «برچسب‌زنی» یا «انگ زنی» یا «لکه زنی» را ارائه کرد. وی معتقد است اول قانون‌گذار باید حتی المقدور از ایجاد جرائم جدید خودداری کند و از سازوکارهای دیگر برای کنترل رفتارها استفاده کند. دوم حتی المقدور پلیس و دستگاه قضا از دادگاهی کردن افراد مجرم خودداری کنند. سوم تا حد امکان مدت اقامت یا رفت و آمد فرد با دادگستری و کلانتری و نظایر آن کم باشد. هر قدر این مدت بیشتر باشد حجم استقرار وصف منحرفانه در فرد بیشتر می‌شود.^{۱۱} بزه‌کاری براساس آموزه‌های این نظریه پدیده‌ای است که در اثر کنش و واکنش‌های اجتماعی و توسط آن دسته که توانایی برچسب‌زنی دارند شناسایی می‌شود.^{۱۲}

۱. غلامرضا سلطان فر، «تورم کیفری»، به راهنمایی دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، (۱۳۸۳)، ۱۹۸.

۲. میثم عشقی، «تعویق صدور حکم»، به راهنمایی شهرام ابراهیمی، شیراز: دانشگاه شیراز، (۱۳۹۲)، ۲۴ و ۲۵.

3 - Labeling Theory

4 - Interactionist Criminology

۵. پریخ دادستان، روان‌شناسی جنایی، (تهران: انتشارات سمت، چاپ نهم، ۱۳۹۰)، ۱۹.

6-Frank Tannenbaum

۷. فرانکلین ویلیامز و ماریلین مک شین، نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، (تهران: نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۱)، ۱۵.

8- Edwin Lemert

۹. فرانکلین ویلیامز و ماریلین مک شین، پیشین، ۲۵۳ - ۲۴۳.

10 -Howard Saul Becker

۱۱. علی حسین نجفی ابرندآبادی، «تعزیرات درس جامعه‌شناسی جنایی»، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، (۱۳۸۴)، ۲۰۹۴.

۱۲. رحمت‌الله صدیق سروسرستانی، آسیب‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، (تهران: انتشارات سمت، چاپ چهارم، ۱۳۸۷)، ۵۸.

براساس این نظریه به محض اینکه شخص دارای برچسب مجرمانه شد، سعی در انطباق و هماهنگ کردن اعمال خود با آن برچسب نموده و باعلاقه بیشتری برای ارتکاب جرائم دیگر وسوسه می‌شود. این هزینه بالقوه را باید قبل از جرم‌انگاری هر عملی (به‌ویژه در جرائم کوچک) به‌وضوح در نظر داشت. آنگاه که به شخص برچسب مجرم زده می‌شود، از ارتکاب جرم کوچک تا بزرگ، گام کوتاهی خواهد بود.^۱

تعویق صدور حکم و به تبع تعلیق اجرای مجازات از دستاوردهای جرم‌شناسی‌های نوگرا، معروف به کنش متقابل اجتماعی است. جرم‌شناسی کنش‌های متقابل به مطالعه فرایند شکل‌گیری هویت اجتماعی بزهکار می‌پردازد و بر آن است که این فرایند زمینه ایجاد پدیده برچسب‌زنی می‌شود. نظریه‌پردازان برچسب‌زنی معتقدند که بزهکاری و به‌طور کلی کژروی در کیفیت یک رفتار نیست، بلکه پیامد اجرای مقررات و ضمانت‌های اجرایی است که گروه اجتماعی متشکل از افراد و نهادها در ساخت و پرداخت آن دست دارند.

اینان در واقع با قضاوت‌های منفی درباره رفتار انسان‌ها، سبب می‌شوند که انتخاب رفتار و کردار قانونی برای آنان ناممکن گردد. هنگامی که شخصی از نگاه دیگران به صورت خاصی توصیف می‌شود، در نتیجه فشار اجتماعی رفته‌رفته به تغییر درک و دریافت از خود دست می‌زنند تا با این توصیف انطباق پیدا کند. در نتیجه، با پذیرش انگ بزهکار بار دیگر به سمت رفتارهای نابهنجار سوق داده می‌شود. این سازوکار که دردستگاه قضایی با صدور حکم محکومیت به پایان می‌رسد تصویر دیگری از بزهکار ترسیم می‌کند که بازگشت او را به حالت عادی دشوار می‌سازد. از این رو، با تعویق صدور حکم و امتناع از اعلام مجرمیت به بزهکار فرصت دیگری داده می‌شود که تصویر آشفته خود را اصلاح کند و ثابت نماید که قضاوت دیگران درباره او درست نبوده است.^۲ نهاد تعویق صدور حکم نهادی است که در محدوده قانون، یک فرصتی به مرتکب نادم داده می‌شود تا دیگر مرتکب جرائم بعدی نشود و با دادن این فرصت مشروط باعث می‌شود تا در صورت ایفای تعهد مرتکب از برچسب خوردن وی جلوگیری به عمل آید.

اصلاح و درمان^۳

معنا و مفهوم اصلی اصلاح، بهبود وضعیت فرد است. مفهوم مزبور در ارتباط با تربیت افراد، شامل مفروض دانستن این امر است که چیز بدی یا اشتباهی در مجرم بوده که تحت تربیت توأم بانظم و قاعده صحیح، قابل اصلاح، دگرگونی و یا شکل‌دهی مجدد است و همراه با رفتارهای بهبودیافته‌ای که در نهاد مربوطه آموخته‌شده، فرد درآینده دیگر دست به ارتکاب جرم نخواهد زد.^۴ اصلاح بزهکاران برای نخستین بار از سوی بنیان‌گذاران مکتب تحقیقی با رویکردی مجرم‌مدار مورد توجه قرار گرفت.^۵ از نظر بنیان‌گذاران این مکتب، نظام عدالت کیفری مانند یک بیمارستان یا درمانگاه است که جرم را بیماری، بزهکار را بیمار و متصدیان عدالت کیفری را پزشک و یا پیراپزشک می‌پندارند.^۶ بنابراین، بازپروری بزهکاران از طریق مکتب تحقیقی و با ماهیتی پزشکی وارد گستره‌ی عدالت کیفری شد اما به تدریج تحت تأثیر مطالعات و یافته‌های جرم‌شناسی به‌ویژه با ظهور جنبش دفاع اجتماعی

1. Clarkson, C. M.V. Understanding Criminal Law, (Fontana, Paperbacks, London, 2005), 170

۲. اردبیلی، پیشین، ۲۱۰

3 – Reform and Treatment

۴. نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، پیشین، ۲۹۰

۵. تاج زمان دانش، مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟ (تهران: انتشارات کیهان، چاپ یازدهم، ۱۳۹۳)، ۳۸۷.

۶. امیرحسین نیازپور، توافقی شدن آیین دادرسی کیفری، (تهران: انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۹۰)، ۵۶

نوین، بازپروری بزهکاران دیگر دربرگیرنده تدابیر و اقدام‌های پزشکی و بالینی نبوده، بلکه سایر تدابیر و اقدامات بازپرورانه از جمله تدابیر آموزش و پرورش و تربیتی را نیز شامل می‌شود، به این‌سان، اصلاح بزهکاران عبارت است از به‌کارگیری مجموعه تدابیر و اقدام‌های نظام عدالت کیفری که بر بهبود نظام رفتاری مجرمانه و بازسازی شخصیت آن‌ها متمرکز است.^۱

تعویق صدور حکم که به‌صورت مراقبتی و به‌منظور تربیت و بازسازی شخصیت مجرم اجرا می‌شود،^۲ مستلزم اعمال نوعی سرپرستی و ارشاد مجرم توسط متخصصان و مددکاران اجتماعی در دورانی است که مجرم به‌طور آزمایشی تحت مراقبت قرار می‌گیرد. در این مدت شخص یا سازمانی که سرپرستی مجرم را عهده‌دار می‌شود بایستی با استفاده از مبانی جرم‌شناسی مجرم را تحت نظارت خویش مورد راهنمایی قرار داده و زمینه‌ی اصلاح و سازگاری وی را در جامعه برای بازیافت موقعیت اجتماعی مناسب فراهم نماید، از این‌رو نظارت بر رفتار مجرم در مدت تعلیق یکی از ارکان تشکیل‌دهنده‌ی تعلیق توأم با مراقبت محسوب می‌گردد.

به‌علاوه اهمیت ویژه‌ی سرپرستی و ارشاد مجرمین در این دوران که به‌صورت انفرادی صورت می‌گیرد نوعی کنترل قضایی به‌حساب می‌آید و به‌عنوان یک واکنش اجتماعی مبتنی بر درمان بالینی، راه را برای اصلاح و بازسازی مجرم هموار می‌کند اما اتکای بر نظارت و راهنمایی مجرم در مدت معین، خود نوعی عکس‌العمل جامعه نیز در جهت تعالی و تربیت مجرم خواهد بود. به‌عبارت دیگر تعویق توأم با مراقبت، اگرچه کیفر جانشین مجازات محسوب می‌گردد با وجود این صرفاً یک مجازات نیست بلکه شیوه‌ای برای اصلاح و تربیت شخص مجرم و یک تأسیس حقوقی قابل‌انعطاف در حل مشکلات جامعه است. در حقیقت تعویق توأم با مراقبت یک ارفاق قانونی موقت است که به‌عنوان یک فرصت مناسب برای اصلاح به مجرم اعطا می‌شود.

درواقع این سیستم باید به‌دنبالی ایزاری مناسب به‌منظور جلوگیری از وقوع مجدد جرم و تکرار جرم باشد. به‌هر حال این اقدامات دارای جنبه سرزنش اجتماعی یا مجازات نیست، بنابراین از صفت زجردهندگی و ترذیلی مبرا هستند. در اعمال و اجرای این اقدامات تقصیر و سوءنیت مجرمانه‌ی مرتکب ملاک و معیار قرار نمی‌گیرد، زیرا اگر این کار انجام می‌شد، دیگر تفاوتی میان این اقدامات با مجازات‌ها وجود نداشت. بنابراین ملاک بهره‌گیری از امکانات و ابزارهای لازم برای بازسازی اجتماعی مجرم و آغاز برای یک زندگی سالم است. درواقع اعمال این نهاد باید به نحوی اجرا و به شکلی مقرر و تنظیم شود که مجرم احساس نکند که او را به خاطر تقصیرش کیفر می‌دهند چه در غیر این صورت از هدف‌های عینی این اقدامات دور می‌مانیم.

یکی از فواید آشکار تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات این است که مجرمان را از محیط‌های جرم‌زا دور می‌کند و در عین حال آنان را در جامعه خود نگه می‌دارد تا از مزیت باز سازگاری اجتماعی بهره‌مند شوند. اشخاصی که مشمول این نهادها می‌شوند به‌طور معمول شغل خود را ادامه می‌دهند و در کنار خانواده خود زندگی و از آنان حمایت و در برنامه‌های آموزشی و تفریحی و مهارتی شرکت می‌کنند و از مشاوره برخوردار می‌شوند و خلاصه به زندگی خود ادامه می‌دهند و از این‌حیث باعث اصلاح و درمان مجرم می‌شوند.^۳ در این نوع مجازات‌ها برخلاف مجازات‌های معمولی و زندان، اراده و مشارکت مجرم مؤثر است. در موارد بسیاری اصلاح و بازپروری نیازمند اقدامات پسینی بعد از اعمال مجازات است و اقداماتی همچون کاریابی، ازدواج،

۱. نیازپور، پیشین، ۱۱۱

2. Colgate Love, Margaret, Alternatives to Conviction: Deterred Adjudication as a Way of Avoiding Collateral, (federal Sentencing Reporter, Volume 22, October 2009, No. 1), 71

۳. علی‌مراد حیدری، حقوق جزای عمومی (بررسی فقهی و حقوقی واکنش علیه جرم)، (تهران: انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۹۴)، ۲۹

درمان اعتیاد و امثال آن نقش بسزایی در اصلاح و بازپروری مجرم دارد و نهادهای مددکاری در این زمینه دارای رسالتی بزرگ و انسانی هستند.^۱

از این رو، به نظر می‌رسد با به‌کارگیری نهاد تعویق صدور حکم، تأثیرات قابل‌توجهی از جهت اصلاح می‌توان بر رفتار بزه‌کاران مشاهده کرد.

پیشگیری از تکرار جرم

تکرار جرم یا به عبارت بهتر بازگشت به رفتار جنایی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های نظام کیفری است که هزینه‌های متعددی را بر بودجه دستگاه قضایی و اقتصاد جامعه تحمیل می‌کند و نظم و امنیت عمومی را به مخاطره می‌اندازد. هزینه ناشی از جرم و تکرار آن شامل هزینه‌های اجتماعی و هزینه‌های اقتصادی است. هزینه اجتماعی مانند احساس ناامنی، ترس، هزینه‌های روانی وارده بر بزه‌دیده، بی‌اعتمادی نسبت به توان دولت در کنترل جرائم و سایر هزینه‌ها است که به‌نوبه خود می‌تواند موجب هزینه اقتصادی هم شود. هزینه اقتصادی مانند هزینه‌های ناشی از نگهداری مجرمین، هزینه لازم جهت اداره دادگاه‌ها و دادرها، هزینه پلیس و نظام اصلاح و تربیت و... است.^۲

به نظر می‌رسد در نهاد تعویق صدور حکم، تکرار جرم به معنای مصلح در حقوق کیفری، سالبه به انتفاء موضوع است. زیرا با اعمال این نهاد، شخص مجازات نمی‌شود بلکه می‌توان گفت با ارتکاب جرم جدید از منظر حقوق کیفری، مقررات مربوط به تعدد جرم حاکم خواهد بود. با وجود این، در اینجا آنچه مهم به نظر می‌رسد، این است که در تحقیقات جرم‌شناسی، انحرافات که از شخص در جامعه سر می‌زند، رنگ جرم به خود می‌گیرد و این انحرافات چنانچه منجر به واکنش اجتماعی نشود باز هم شخص منحرف، مجرم شناخته می‌شود. سؤال اصلی که طرح می‌شود، این است که آیا در خصوص مجرمین بالقوه (از نظر جرم‌شناسی) یا مجرمینی که دارای ظرفیت جنایی بالایی نیستند، می‌توان از طریق اعمال نهاد تعویق صدور حکم در راستای پیشگیری از تکرار جرم گام برداشت؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت، به نظر می‌رسد، تأثیر نهاد تعویق صدور حکم در پیشگیری از تکرار جرم زمانی نمود پیدا می‌کند که به مبانی جرم‌شناختی این نهاد توجه کرد.

با بررسی مبانی نظری جرم‌شناختی نهاد تعویق صدور حکم به‌ویژه نظریه عقلانیت و نظریه‌سازمانی و تشکیلاتی و مبانی همچون حبس‌زدایی، قراردادی شدن حقوق کیفری و مکتب واکنش اجتماعی، این نکته را خاطرنشان می‌سازند که اعمال مجازات در خصوص مجرمین بالقوه و یا مجرمین که دارای ظرفیت جنایی بالایی نیستند، و ورود این اشخاص به فرآیند قضایی در بسیاری از موارد امری عبث و بیهوده است و این به نوبه خود خواهان شیوه‌های رسیدگی غیر کیفری از طریق اعمال نهاد تعویق صدور حکم است. از این رو، به نظر می‌رسد آنچه باعث گردیده در خصوص عده‌ای از مجرمین، تعویق صدور حکم اعمال گردد تئوری‌های مربوط به کارکرد منفی مجازات بوده است؛ یعنی مجازات‌ها خود ممکن است منجر به تکرار جرم شود.

با بررسی مبانی جرم‌شناختی نهاد تعویق صدور حکم می‌توان به این نتیجه رسید که اعمال تعویق صدور حکم از این حیث می‌تواند منجر به پیشگیری از تکرار جرم شود که شخص مجرم (هرچند مجرمیت آن را مفروض می‌دانیم) وارد عرصه عدالت کیفری رسمی نشده و در خصوص وی مجازات اعمال نمی‌شود و بنابر شرایطی صدور حکم آن به تأخیر می‌افتد، چراکه فرآیند قضایی و اعمال مجازات در خصوص این دسته از مجرمین آن‌ها را در خطر تکرار جرم قرار می‌دهد، یعنی مجازات‌ها فی‌نفسه

۱. نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، پیشین، ۲۸۹

۲. نجفی ابرندآبادی، پیشین، ۷۱۷

می‌تواند جرم‌زا باشد. برای این‌که بتوان به هدف پیشگیری از تکرار جرم درخصوص این دسته از مجرمین به‌عنوان یکی از آثار جرم‌شناختی این نهاد نائل گردید، باید تا حد امکان با تجهیز تمامی منابع از جمله اعضای خانواده، داوطلبان گروه‌های پیشگیری اجتماعی، مدرسه و سایر نهادهای اجتماعی برای اطلاع و پیشبرد رفاه بزه‌کار به‌خصوص نوجوانان باهدف کاهش و اجتناب از تماس غیرحضور با نظام قضایی رسمی و مداخله قانون اقدام گردد.^۱

به این‌سان، اعمال نهاد تعویق صدور حکم با بررسی جوانب جرم‌شناختی از جمله پیش‌بینی اقدام جنایی مجرمان بالقوه و ظرفیت جنایی آن‌ها می‌تواند اثرات والایی از جمله اصلاح و تربیت این دسته از مجرمان و پیشگیری از تکرار جرم را داشته باشد بدون آنکه نیازی به توسل به ضمانت اجرای کیفری باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

اصلاح و درمان یکی از رویکردهای شناخته‌شده در دانش جرم‌شناسی است که هم‌زمان با پیدایش این دانش در پایان سده نوزدهم میلادی پدید آمده است. این رویکرد در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ خورشیدی نیز به‌روشنی چهره نموده است. اصلاح و درمان در دو منبع اصلی فقه امامیه یعنی قرآن و نهج‌البلاغه دارای پیشینه است. روی‌آوری قانون‌گذار به رویکرد اصلاح و درمان در تعریف تعزیرات بسیار نمایان است. برخی نوآوری‌های این قانون آشکارا جنبه‌ای اصلاحی و درمانی دارند که از آن جمله می‌توان به نهاد تعویق صدور حکم اشاره نمود.

این نهاد که در مواد ۴۰ الی ۴۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیان‌شده از نهادهای مترقی و مورد تأیید در اغلب نظام‌های حقوقی است که به‌عنوان یک ابزار کاربردی سیاست جنایی جایگاه خود را به‌خوبی یافته و تقریباً می‌توان گفت که حقوقدانان هم بر این امر اتفاق نظر دارند. این نهاد، علاوه بر منطق حقوقی و قضایی، واجد آثار مهم و درخور توجهی از منظر جرم‌شناسی است؛ به‌گونه‌ای که ضمن بنا شدن بر پایه اصل تفرید جزایی (اصل فردی جرائم و مجازات‌ها) از چسباندن انگ مجرمانه (برچسب) بر پیشانی شخص به اعتبار جرائم کم‌اهمیت، جلوگیری می‌کند. همچنین، اعمال این نهاد امید و آرزوی اصلاح و درمان بزه‌کار را بیشتر و بهتر تأمین می‌کند و زمینه بازگشت دوباره او را به دامن اجتماع را ساده‌تر می‌سازد.

همچنین اگر در عمل از آن استفاده صحیح و به‌جا شود باعث دورنگه داشتن مجرمان اتفاقی از ارتکاب جرم جدید شده و ضمن کمک به مجرم برای اجتماعی شدن و بازگشت به زندگی عادی در جامعه، باعث صرفه‌جویی در هزینه‌های زندان و استفاده جامعه از کار و فعالیت مجرمین و همچنین کاهش آمار جرائم تکراری را در پی خواهد داشت. اگر قضاوت توجه بیشتری به این نهاد داشته باشند و قانون‌گذار هم در برخی از جرائم که از اهمیت بیشتری برخوردار است دایره شمول تعویق صدور حکم را گسترش دهد و جرائم بیشتری را دربرگیرد، موجب کارایی بیشتر این نهاد می‌شود.

پیشنهادهای

اساساً باید تعویق صدور حکم با مطالعه بر روی شخصیت فرد محکوم صورت گیرد. لیکن متأسفانه در کشور ما؛ این موضوع به‌صورت ناقص پیش‌بینی گردیده است، به دلیل فقدان چنین پرونده‌ای، توقع ما این است که قاضی محکمه به‌عنوان یک حقوقدان درکنار انجام وظیفه اصلی خود، وظایف مربوط به متخصصین علوم تربیتی و روانشناسی و جامعه‌شناسی را نیز انجام دهد.

۱. شهرام ابراهیمی، جرم‌شناسی پیشگیری، جلد اول، (تهران: نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۱)، ۸۹.

از اختیار قاضی در صدور حکم به تعویق نباید استفاده ابزاری شود، چه آن‌که ماده ۳۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری دلالت بر صدور رأی موجه دارد. به همین جهت توصیه می‌شود، قاضی در زمان بررسی محتویات پرونده و با در نظر گرفتن مقررات قانون آیین دادرسی کیفری ضمن برآورد نمودن هزینه‌های مختلف تعقیب و اجرای مجازات و به معنای کلی، مناسب تشخیص دادن امر تعقیب، حکم مناسبی در این خصوص اتخاذ نماید. تا بدین ترتیب اهداف مقنن که همان اجتناب از تبعات منفی کیفر و هم‌چنین قانون‌مند نمودن رفتار مجرم در جامعه بوده است، نیز اجرا گردد.

دستگاه کیفری ایران در اجرای بهتر قوانین و به جهت آشنایی بهتر قضات و دیگر مجریان عدالت از موضوعات تازه تأسیسی چون تعویق صدور حکم، با برگزاری کارگاه‌های آموزشی اعم از دوره‌های تئوری یا عملی در محاکم یا دادسراها و هم‌چنین دوره‌های روانشناسی قضایی در جهت شناخت بهتر بزه‌کار به منظور برخوردی صحیح و در راستای درمان، اصلاح و بازسازی در نهادینه شدن آن قدم بردارد.

فهرست منابع

ابراهیمی، شهرام. جرم‌شناسی پیشگیری، جلد اول. چاپ دوم. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۱
 اردبیلی، محمدعلی. حقوق جزای عمومی، چاپ چهارم. جلد سوم. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۳
 آریانپور، عباس. فرهنگ کامل انگلیسی به فارسی، چاپ دوم. تهران: نشر سیروس، ۱۳۸۵
 بابایی، محمدعلی و غلامی، میثم. «مهم‌ترین جلوه‌های کیفرزدایی در قانون جدید مجازات اسلامی». پژوهشنامه اندیشه‌های حقوقی، ۱، ۳ (۱۳۹۱): ۵۹-۸۰

بخشی‌زاده، امین. بررسی تغییرات و نوآوری‌های لایحه قانون مجازات اسلامی، چاپ اول. تهران: انتشارات دوراندیشان، ۱۳۹۱
 بن منظور، محمد بن مکرّم (۱۳۷۵ه.ق). لسان العرب. چاپ چهارم، جلد چهارم، بیروت: انتشارات دارصادر
 توجهی، عبدالعلی و کوره‌پز، حسین محمد. درآمدی بر نهاد تعویق صدور حکم در حقوق ایران، آلمان و فرانسه. پژوهش حقوق کیفری، ۲، ۵ (۱۳۹۲): ۹۳-۱۱۹

توجهی، عبدالعلی. تقریرات درس حقوق کیفری عمومی. کارشناسی ارشد (نیمسال دوم تحصیلی)، دانشگاه تهران (پردیس قم)، ۱۳۹۱

حیدری، علی‌مراد. حقوق جزای عمومی (بررسی فقهی و حقوقی واکنش علیه جرم). چاپ اول، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۴
 دادستان، پریخ. روان‌شناسی جنایی. چاپ نهم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۰
 دانش، تاج زمان. مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟ چاپ یازدهم، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۹۳
 دلماس، میری و مارتی. نظام‌های بزرگ سیاست جنایی. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۷

رایجیان‌اصلی، مهرداد و صادقی، ولی‌الله. «جایگاه تعویق صدور حکم در حقوق ایران با رویکردی تطبیقی به قوانین فرانسه و انگلستان و آلمان». فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۳، ۱۹ (۱۳۹۴): ۴۷-۲۳

رایجیان‌اصلی، مهرداد. تبیین استراتژی عقب‌نشینی یا تجدید دامنه مداخله حقوق جزا و جایگاه آن در ایران. مجله حقوقی و قضایی

دادگستری، ۶۶، ۴۱ (۱۳۸۱): ۹۳-۱۱۸. Doi: JR_JLJ-66-o_001

رضایی، غلامحسین. راهبردهای تعلیق و تعویق در فرایند کیفری. چاپ اول، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۹

- سلطان‌فر، غلامرضا. تورم کیفری. به‌راهنمایی دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۳
- شیخ‌نیا، امیرحسین. «تعویق مراقبتی مجازات در حقوق ایران». مهنه قضایی، ۱۳ و ۱۴ (۱۳۴۸): ۲۶-۱۸
- صدیق سروسستانی، رحمت‌الله. آسیب‌شناسی اجتماعی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۷
- عباسی، اصغر و دادمهر، محمدعلی. «تعویق و تعویق مجازات در ایران با نگاهی به حقوق جزای فرانسه»، فصلنامه مطالعات حقوق پاییز، ۱۴ (۱۳۹۶): ۱۳۷-۱۶۰.
- عشقی، میثم. تعویق صدور حکم. به‌راهنمایی شهرام ابراهیمی، شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۳۹۲
- قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری
- قانون مجازات اسلامی
- قیاسی، جلال‌الدین، حیدری، مسعود و اشرفی، محمود. بررسی تعویق صدور حکم در لایحه مجازات اسلامی. نامه مفید، ۱۳۸۹
- کلانتری، کیومرث. تحلیل بحران در حقوق موضوعه کیفری ایران و راهکارهای خروج از آن. به‌راهنمایی دکتر محمدجعفر حبیب زاده، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۱
- گلدوزیان، ایرج. محشای قانون مجازات اسلامی. چاپ سوم، تهران: نشر مجد، ۱۳۹۳
- گلدوست جویباری، رجب و مرادیان، مجتبی. تعویق صدور حکم در حقوق ایران و فرانسه. فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۱۸، ۷۰ (۱۳۹۴): ۱۳۷-۱۶۷
- مصدق، محمد. شرح قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ با رویکردی کاربردی. چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۲
- معین، محمد. فرهنگ فارسی. چاپ پنجم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲
- مهر، نسرین (۱۳۷۷). «درآمدی بر جرم‌زدایی، کیفرزدایی، قضا زدایی». مجله تحقیقات حقوقی، تهران: دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره‌های ۲۱ و ۲۲ (۱۳۷۷): ۳۰۱-۳۱۲
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی. تعویق صدور رای در دادرسی اطفال و نوجوانان معارض با قانون، در (کتاب افق‌های عدالت کیفری کودکان و نوجوانان در پرتو اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی)، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، ۱۳۹۲
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. تعزیرات درس جامعه‌شناسی جنایی. دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۴
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم‌بیگی، حمید. دانشنامه جرم‌شناسی. چاپ دوم، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۰
- نیازپور، امیرحسن. توافقی شدن آیین دادرسی کیفری. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۰
- ویلیامز، فرانکلین و مک‌شین، ماریلین. نظریه‌های جرم‌شناسی. ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، چاپ اول، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۱

Clarkson, C. M. V, Understanding Criminal Law, Fontana, Paperbacks, London.170.

(2005). doi:10. 0421900903 ISBN 13: 9780421900905

Colgate Love, Margaret, Alternatives to Conviction: Deterred Adjudication as a Way of Avoiding Collateral, federal Sentencing Reporter, Volume 22, October 2009, No. 1, DOI: 10.1525/fsr.2009.22.1.6.